

شناخت خدای قرآن

کی و چی بودن الله بر اساس آیات قرآن

شناخت خدای قرآن- کی و چی بودن الله بر اساس آیات قرآن

به قلم استاد ممنوع القلم

تاریخ انتشار: پائیز ۲۰۱۸

ماهیت و جنس تشکیل دهنده الله به بیان آیات قرآن

(یک) الله خالق مورد ادعای قرآن شکلی از ماده و آنهم ماده موجود در جهان است

۱- ماهیت مادی الله به سبب جنس تشکیل دهنده اش

در زیر خواهیم دید که قرآن در آیات متعددی کی و چی بودن الله خالق و جنس تشکیل دهنده اش را به طور صریح بیان کرده است. بر اساس این بیان صریح آیاتی که ناظر بر معرفی جنس و ماهیت الله مورد ادعاست، الله مورد ادعای این کتاب از ماده و آنهم از همین ماده موجود در طبیعت تشکیل شده است.

آیه ۳۵ سوره النور جنس تشکیل دهنده الله را چنین توضیح میدهد:

• " خدا نور آسمانها و زمین است ... " ۲۵. (سوره نور، آیه ۳۵).

بدین معنی، به بیان این آیه قرآن:

✓ الله مورد ادعا از نور تشکیل شده یا،

✓ ماهیت و جنس تشکیل دهنده اش نور است.

اما نور^{۲۶} چیست؟

امروزه بر اساس داده های قطعی علم فیزیک، میدانیم که نور صورتی از ماده یا ماتریای (materia)^{۲۷} موجود است. این واقعیت ساده فیزیک را البته که الله نازل کننده این آیه هم میدانسته یا می بایست می دانست. میگوئیم می دانسته، چرا که اگر بگوئیم که نازل کننده این آیه معنی و محتوای این آیه و ماده بودن نور را نمیدانسته و منظورش از کلمه نور غیر از آن بوده که علم امروزی توضیح میدهد، در این صورت راهی نمیماند جز آنکه اعتراف بکنیم که وی:

یا قادر به انتخاب کلمه و بیان حرف و نظرش نشده،

• یا از علم فیزیک امروز و فردا بیخبر بوده و این آیه را هم از روی بیخبری و ناآگاهی نازل کرده است.

بدیهی است که در هر دو صورت نه فقط آیات و ادعاهای قرآن، بلکه اساساً اصل و اساس وجود چنین الله ناتوان از بیان و ناآگاه از علم امروز و فردا زیر سؤال میرود. زیر سؤال میرود، چرا که به طور منطقی و همچنین بنا به ادعای تکراری قرآن، الله مورد ادعا، عالم مطلق است و باید از همه جهان و

^{۲۵} الله نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... (سوره نور، آیه ۳۵)، به نقل از قرآن حسین انصاریان.

^{۲۶} نور یک حالت و شکل از ماده یا ماتریا است. نور مرئی یا نور و پرتوی که به چشم انسان و دیگر موجودات مرئی نمایان می شود (Light) یک تابش الکترومغناطیسی Electromagnetism و حاوی فوتون Photon است. نور مرئی با طول موجی از حدود ۳۸۰ تا حدود ۷۴۰ نانومتر در بین دو نور نامرئی فروسرخ (Infrared) با طول موج های بلندتر و فرابنفش (Ultraviolet) با طول موج های کوتاهتر قرار دارد (ر. ک. به ویکی پدیا انگلیسی و فارسی).

^{۲۷} جهان موجود ما از ماده یا ماتریا تشکیل شده است. ماتریا یا ماده هر آن چیزی است که دارای جرم و حجم است. در زندگی روزمره، چهار فاز یا حالت ماده قابل مشاهده اند: جامد، مایع، گاز و پلاسما. البته ماده حالت های دیگری هم دارد که در شرایط خاص و تحت تأثیر جاذبه و حرارت مشاهده می شوند. بیشترین ماده قابل مشاهده در جهان به صورت پلاسما است (ر. ک. به ویکی پدیا انگلیسی و فارسی).

هستی بی که خود ادعای خلقت را کرده اطلاع کافی، ماهوی و همه جانبه داشته باشد. تعدادی از این آیاتی که ناظر بر آگاهی بدیهی الله خالق مورد ادعاست چنین اند:

- آیا ندانسته ای که خدا آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است می داند (آیه ۷ سوره مجادله)^{۲۸}.
- او دانای نهان و آشکار بزرگ بلندمرتبه است (آیه ۹ سوره الرعد)^{۲۹}.
- و هموزن ذره ای نه در زمین و نه در آسمان از پروردگار تو پنهان نیست و نه کوچکتر و نه بزرگتر از آن چیزی نیست مگر اینکه در کتاب روشن (درج شده) است (آیه ۶۱ سوره یونس)^{۳۰}.
- او اول و آخر و ظاهر و باطن و به هر چیزی داناست (آیه ۳ سوره الحديد)^{۳۱}.
- معبود شما تنها آن خدایی است که جز او معبودی نیست و دانش او همه چیز را در بر گرفته است (آیه ۹۸ سوره طه)^{۳۲}.
- و ما انسان را آفریده ایم و می دانیم که نفس او چه وسوسه ای به او می کند و ما از شاهرگ [او] به او نزدیکتریم (آیه ۱۶ سوره قاف)^{۳۳}.

آیات فراوانی در این مورد و با همین ادعاها در قرآن آمده، چرا که به طور منطقی نیز:

- لازمه ادعای خلقت جهان و انسان از سوی الاله مورد ادعا، آگاهی همه جانبه وی از این مخلوقات مورد ادعاست. به بیان دیگر، الله یا هر موجود ناآگاه از علوم و ماهیت اشیاء و موجودات نمیتواند خالق این اشیاء و جهانی به این عظمت و پیچیدگی باشد.

در نتیجه:

- الله بی اطلاع از خصوصیات عناصری که به ادعای خودش خلق کرده نمیتواند وجود داشته باشد. به بیان دیگر:

- ادعای وجود خدای خالق که از مخلوقات خود اطلاع کافی و ماهوی ندارد به طور منطقی مردود است.

از این رو، اگر فرض بر وجود الله خالق مورد ادعای قرآن است، باید پذیرفت که وی حداقل باید از معنی کلمات و جملاتی که نازل کرده اطلاع می داشته و میدانسته که منظورش از نور چه بوده است. او میدانسته یا باید میدانسته که:

- ✓ نور شکلی از ماده یا ماتریاست.
- ✓ نور از جنس ماده موجود در جهان است و،
- ✓ نور به صورت امواج و ذرات نورانی پخش میشود.

^{۲۸} أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ (آیه ۷ سوره مجادله).

^{۲۹} عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ (آیه ۹ سوره الرعد)

^{۳۰} وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (آیه ۶۱ سوره یونس)

^{۳۱} هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (آیه ۳ سوره الحديد)

^{۳۲} إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا (آی ۹۸ سوره طه)

^{۳۳} وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْنَاهُ مِمَّا تُوَسَّوَسُ بِهِ نَفْسَهُ وَتَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ (آیه ۱۶ سوره قاف)

بر این اساس، ناگزیر باید پذیرفت که الله نازل کننده قرآن با مطرح کردن این ادعا که الله نور است، منظوری جز این نداشته یا نمیتوانسته داشته باشد که **الله از جنس ماده** است. منظورش این بوده که الله مورد ادعا مثل هر نور دیگر از ماده و **حتی ماده موجود** تشکیل شده است. بیان دیگر، الله مورد ادعا **بنا** به اظهار خودش:

۱. از جنس ماده و،

۲. آنها ماده موجود در جهان حاضر تشکیل شده است.

توجه داریم که هر گونه تعبیر و تفسیری برای تغییر این معنا و منظور صریح و روشن در آیه فوق مردود است. از هر طریقی هم انجام بگیرد، چه از طریق بهره گیری از احادیث یا مقابله آیات قرآن، مردود است. میدانیم که احادیث اساساً ساختگی و بی اعتبار اند و حتی اگر صحیح و معتبر می بودند، نمیتوان با مراجعه به بیانات "بنده"، حرف الله صاحب بنده را پس گرفت. همینطور ادعا میشود که آیات قرآن از سوی یک خدای واحد حکیم و دانا نازل شده است. در اینصورت، یک چنین خدائی نمی تواند در مورد ماهیت و جنس تشکیل دهنده خود دو آیه متضاد نازل کرده باشد. در ضمن نازل کننده قرآن در آیات فراوانی ادعا میکند که همه آیاتش ساده و روشن و قابل فهم اند. از این رو، هر گونه تلاش مفسران برای راست و ریس کردن این یا هر آیه دیگر هیچ معنائی جز ردّ صحت ادعاهای الله مورد ادعا ندارد. یک چنین دخالتی همچنین به معنی اذعان به عدم آگاهی الله خالق از معنی و مفهوم آیاتش و همچنین ماهیت عناصر طبیعی است. این است که:

- هر گونه دخالتی برای راست و ریس کردن معنی این یا هر آیه دیگر به تنهایی به معنی رد ادعای وجود الله مورد ادعا و از نظر دینی مردود است.

آیه ۳۵ سوره نور البته به این یک جمله ختم نمیشود، بلکه به موضوعات مرتبط و غیرمرتبط و حتی با یا بی معنی دیگری هم اشاره میکند که بدین شرح است:

"... وصف نورش مانند چراغدانی است که در آن، چراغ پر فروغی است و

آن چراغ در میان قندیل بلورینی است که

آن قندیل بلورین گویی ستاره تابانی است،

از درخت زیتونی پربرکت که نه شرقی است و نه غربی؟ افروخته می شود، روغن آن

نزدیک است روشنی بدهد گرچه آتشی به آن نرسیده باشد،

نوری است بر فراز نوری"^{۳۴}. (سوره نور آیه ۳۵).

این آیه و تشبیهاتش البته چیز زیادی جز آنچه مطرح شد به دست نمیدهند، چرا که این همه در فضای حیاتی عربستان ۱۴۰۰ سال پیش مطرح شده و برای درک و فهم نسبی شان هم باید به جامعه بدوی عربستان آن زمان بازگشت. میدانیم که در آن زمان اگر چراغی هم وجود داشت، شکل ابتدائی چراغ معروف به چراغ دودی بی بود که با استفاده از موادی مثل پیه و روغن روشن میشد. ظاهر آیه نشان

^{۳۴}...مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ. الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ، نُورٌ عَلَى نُورٍ (سوره نور آیه ۳۵).

میدهد که نویسنده این آیه نیز با دانش و اطلاعاتی که در آنروز و آن جامعه معمول بوده، سعی کرده با مراجعه به ابزار منور آنروزی مثل "چراغ (دودی) پر فروغی"، که درون "قندیل بلورینی" با روغن زیتون نابی (درخت زیتونی پربرکتی!) میسوزد نشان بدهد که نور الله مورد ادعایش پرفروغ است و مثلاً از همه نورهای چراغ دودی های آنروزی نورانی تر است ("نوری بر فراز نوری است")^{۳۵}.

عباراتی همچون "درخت زیتونی پربرکت نه شرقی و نه غربی" مثل تشبیهات نه چندان مأنوس شاعران نو مبتدی امروزی هیچ مفهومی را منتقل نمیکند. از این کلمات و عبارات فاقد معنی و مفهوم در قرآن کم نیستند و در واقع، بخشی از نواقص و ایرادات رایج این کتاب ملقب به آسمانی را تشکیل میدهند.

نگاهی ولو کوتاه به قرآن نشان میدهد که الله مدعی خلقت جهان و انسان برای بیان منظورش در آیات فراوانی کلمات و جملاتی نامفهوم، غیر معمول و حتی نادرستی را به کار برده است. نشان میدهد که این موجود فرضی یی که بنا به ادعا باید جهان و هستی را خلق کرده باشد، گاهی حتی از بیان اموری بسیار ساده و مانده و انگار به وقت نگارش آیه قادر به یادآوری کلمه و جمله درست و مصطلح اش نشده و برای جبران این نقیصه هم که شده در آیات فراوانی کلمات یکسانی را برای منظورهای مختلف و غیر معمولی به کار برده است^{۳۶}.

نتیجه آن شده که مجموعه اینهمه کلمات، عبارات و جملات نابجا، تکراری یا بدون معنی و مفهوم در قرآن جز از راه تفسیر و تأویل نه معنی میدهد و نه قابل درک و فهم است. این است که باید گفت که هزاران تفسیر و تأویل و همچنین میلیونها حدیث جعلی^{۳۷} برای ساختن و پرداختن این شعبده بازیهای دینی نتیجه منطقی این نقیصه ها در قرآن ملقب به آسمانی و نازل شده! است.

با این وجود، با وجود اینهمه دخالت ها و شعبده بازیهای دینی برای اصلاح معانی آیات، بسیاری از این نقائص به قدری غیرقابل اصلاح اند که مبلغان دینی پس از ۱۴۰۰ سال تعبیر، تفسیر و تأویل هنوز هم قادر به رفع و رجوع شان نشده اند و به معنایی که همه متفق القول باشند دست نیافته اند. هم از این رو هم هست که پس از قرنها هنوز هم کار تفسیر قرآن پایان پذیرفته و به این زودیها هم پایان نمی پذیرد. هنوز هم جعل حدیث برای نوشتن تفسیرات جدیدتر کفایت نکرده و به این زودیها هم نخواهد کرد.

هر چه هست آیه فوق حتی با وجود این عبارات و تشبیهات نه چندان مربوط یا گویا و درست، به صراحت نشان میدهد که به بیان نازل کننده قرآن، الله نور است و از جنس نور تشکیل شده است. و چون نور صورت و شکلی از ماده و ماده موجود در جهان است، پس این آیه با همه نقیصه های کلامی اش به تنهایی میرساند که از نظر قرآن:

^{۳۵} محقق ایرانی دکتر روشنگر در کتاب الله اکبر، ۱۹۹۶، این بخش از آیه را به سبب تشبیهاتش بین نور، چراغ شیشه ای و ستاره تابان، اقتباسی از "شمعدانی زرین" کتاب تورات میدانند. البته همانطوری که قبلاً هم توضیح داده شده قصه ها و حکایات قرآن در اساس رونویسی درهمی از تورات و تعلیمات کتابهای عهد عتیق است. می گویم "درهم" به خاطر اینکه این قصص در قرآن نه در یک جا و نه به تمامی قید شده اند. نقل قول از این کتابها البته از مواردی است که در خود قرآن نیز در آیات فراوانی به صراحت بیان و تأیید شده است.

^{۳۶} برای اطلاعات بیشتر ر. ک. به جلد اول کتاب قرائت قرآن غیردینی به قلم محقق ایرانی پروفیسور رضا آیرملو، اینواند لیترا تور، ۲۰۰۶، سوئد در سایت professor-reza.com

^{۳۷} ر. ک. به کتاب توضیح المسائل (پاسخهایی به پرسشهای ۱۴۰۰ ساله از کلینی تا خمینی)، به قلم محقق ایرانی شجاع الدین شفا نشر فرزاد، ۲۰۰۰ و جلد سوم کتاب قرائت قرآن غیردینی، ۲۰۰۸، پیشین

- ✓ جنس تشکیل دهنده الله مورد ادعا، ماده و،
- ✓ آنها ماده موجود در جهان حاضر است.

لازم به یادآوری است که نور بودن الله قرآن تنها دلیل ماده بودن جنس وی نیست. به جز این، آیات فراوان دیگری خصوصیتی را به الله مورد ادعای شان نسبت میدهند که خاص ماده و آنها شناخته شده و موجودی است که جهان و هستی را تشکیل داده است. در زیر به نمونه هائی از این دست اشاره میکند.

۲- ماهیت مادی الله به سبب اشغال مکان (فضا)

- بنا به تعاریف علمی موجود، جرم و اشغال مکان (یا فضا) از خصوصیات مشخصه ماده است. بر اساس تعاریف علمی موجود، ماده دارای دو مشخصه اساسی جرم و حجم است.^{۳۸} به بیان دیگر، هر شیئی که جرم داشته باشد و فضا را اشغال بکند ماده است. اما از آنجا که وجود هر کدام از اینها وجود آند دیگری را ضروری میسازد و به بیان دیگر هر شیئی که فضا را اشغال بکند لاجرم دارای جرم هم هست و بر عکس، پس وجود هر کدام از اینها به تنها مشخصه اساسی ماده تبدیل میشود. به بیان دیگر: به این دلیل که اشغال فضا بدون وجود جرم ناممکن است، پس:

✓ "هر شیئی که فضا را اشغال بکند، ماده است".

(۱). در قرآن در مورد حضور الله مورد ادعا در مکان یا اشغال فضا از سوی وی به مناسبت های مختلفی سخن رفته و آیات متعدد نازل شده است. از آن جمله در آیات متعددی، مکان مسکونی الله خالق مورد ادعا مشخص شده است. او دارای عرش یا به اصطلاح خود قرآن، کاخ سلطنتی بی است که بر اساس این ادعا در طول خلقت ۶ روزه مورد ادعای کتابهای ادیان سامی در طبقه هفتم آسمان بر روی آبی بنا کرده است.^{۳۹} آیه ۷ سوره هود نمونه ای از این آیات است.

- "او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید،^{۴۰} در حالی که عرش تخت فرمانروایی اش بر آب قرار داشت ..."^{۴۱} «سوره هود، آیه ۷»

برای روشن کردن معنی عرش، باید یادآوری کرد که در قرآن کلمه عرش ۲۶ بار تکرار شده است. از اینان ۴ بار در چهار آیه سوره النمل (آیات ۲۳، ۲۸، ۴۱ و ۴۲) برای نامیدن کاخ سلطنتی ملکه سبا و یکبار هم در آیه ۱۰۰ سوره یوسف برای نامیدن قصر یوسف در مصر به کار رفته است.^{۴۲} این موارد نشان میدهند که منظور الله از عرش خودش نیز مطابق منظورش از عرشهای ملکه سبا و یوسف، قصر سلطنتی و محل سکونت و فرمانروائی اش بوده است.

این ادعای قرآن در مورد محل سکونت و حکومت الله خالق از نظر تعیین ماهیت وی بسیار مهم و از جهات مختلفی قابل بحث است، اما آنچه در اینجا مطرح میشود، مفهوم مادی این مکان است. به بیان دیگر:

- حضور الله در کاخ سلطنتی عرش به معنی حضور الله در مکان مادی است. این هر دو نشان میدهند که الهی که در این قصر می زید و فرمانروائی میکند، فضا را اشغال میکند و با اشغال فضا (جا و مکان)، یکی از خصوصیات اساسی ماده یا ماتریا را از خود بروز داده و میدهد.

^{۳۸} پیشین.

^{۳۹} این آیه خود سؤالاتی را در مورد محل و وضع سکونت الله مورد ادعا در قبل از این تاریخ مطرح میسازد.

^{۴۰} در فصل مربوط به تعارضات قرآن خواهیم دید که در آیات مختلف این شش روز نقل شده از تورات به ۸ و ۹ روز رسیده است.

^{۴۱} وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ ... (هود ۷)

^{۴۲} Koran Ensiklopedisi, Turan Dursun, kaynak yayınları, Istanbul.

۲). جالب اینجاست که آیات قرآن فقط نشان نمیدهند که الله مورد ادعا صاحب قصری است و در آن سکونت میکند، بلکه همچنین نشان میدهند که او نیز همانند سایر حکام و سلاطین آنروزی، در قصر خود بر تخت حکومتی می نشیند و از آنجا حکم میراند و جهان را اداره میکند.^{۴۳}

بر تخت حکومتی نشستن خدا به جز در این جمله "... اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ" به معنی "... بر عرش یا تخت فرمانروائی می نشیند" در ۷ آیه قرآن به شرح زیر تکرار شده است:

- آیه ۵۴ سوره اعراف، آیه ۳ سوره یونس، آیه ۲ سوره الرعد، آیه ۵ سوره طه، آیه ۵۹ سوره فرقان، آیه ۴ سوره سجده و آیه ۴ سوره الحديد.

در نتیجه، همه این آیات نشان میدهند که الله مورد ادعای قرآن در مکان یا فضا قرار دارد و عمل میکند، و هم از آنرو ماهیت مادی دارد.

۳). به جز اینها، آیات دیگری هم به سببهای مختلف بر این جایگزینی الله در فضای آسمان و در نتیجه ماهیت مادی وی تأکید میکنند. آیاتی همچون آیات ۱۸-۱۶ سوره الحجر، آیات ۷-۶ سوره صافات و آیه ۹ سوره جن و سایر آیات مربوطه با مطرح کردن امنیت کاخ آسمانی الله، و همچنین استراق سمع شیاطین و دور کردن شیاطین با استفاده از رعد و شهاب آسمانی یکبار دیگر نشان میدهند که الله در مکان و فضای آسمان کاخی دارد و در آن کاخ زندگی میکند.

۴). در این رابطه، آیاتی هم از جمله آیات ۱۷-۱۵ سوره الحاقه از حمل عرش یا کاخ و محل فرماندهی خدا سخن به میان می آورند و بدینوسیله اشغال مکان و فضا و همچنین جا به جایی وی در مکان و فضا را تأیید میکنند:

- پس آن روز است که واقعه وقوع یابد (آیه ۱۵ سوره الحاقه)^{۴۴} ... و آن روز عرش پروردگارت را هشت (فرشته؟) بر سر خود حمل میکنند (آیه ۱۷ سوره الحاقه)^{۴۵}

می بینیم که الله بر اساس اینهمه آیاتش:

۱. هم در مکان و فضا جا میگیرد یا فضا را اشغال میکند و،

۲. هم در فضا جا به جا میشود.

این همه میرساند که:

- الله قرآن دارای ماهیت مادی است و آن میکند که هر جسم مادی دیگر.

۵). در ضمن آیاتی از ملاقات و حتی رؤیت الله سخن به میان می آورند. آیه ۲۲۳ سوره بقره به مؤمنین قول میدهد که الله شان را در روز رستاخیز دیدار خواهند کرد:

^{۴۳} ر. ک. آیه ۷ سوره هود به شرح پیشین و سایر آیات.

^{۴۴} فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ (الحاقه ۱۵)

^{۴۵} ... وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةَ (الحاقه ۱۷)

- ... و از خدا پروا کنید و بدانید که او را دیدار خواهید کرد و مؤمنان را (به این دیدار)
مژده ده (آیه ۲۲۳ سوره البقره)^{۴۶}

- آری در آن روز صورتهایی شاداب و مسرور است و به پروردگارش می نگرد (آیات ۲۳
۲۲- سوره قیامت)^{۴۷}

- و چهره ها برای آن (خدای) زنده پاینده خضوع می کنند ... (آیه ۱۱۱ سوره طه)^{۴۸}

توجه داریم که رؤیت کردن یا دیدن حاصل تابش نور به یک شیئی یا جسم مادی و بازتاب آن به چشم بیننده است. بر اساس داده های علمی، وقتی نوری به جسمی می تابد و باز میگردد، چشم این نور بازتاب شده را به مغز منتقل میکند و مغز آنرا به صورت رؤیت و دیدن تشخیص میدهد. از این رو، آیات ناظر به رؤیت خدا به این معنی است که از نظر این آیات هم الله شیئی یا جسم مادی است و نور بر آن می تابد و بازتاب میکند.

این دلایل متعدد هر کدام از طریق نشانی میدهند که از نظر آیات نازله الله خالق مورد ادعا در مکان و فضا جا دارد یا به بیانی مکان و فضا را اشغال میکند. در نتیجه اینهمه به تکرار نشانی میدهند که الله مورد نظر قرآن واجد یکی از علل اساسی ماده است و هم از این رو از جنس ماده است.

^{۴۶} ... وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (بقره ۲۲۳)

^{۴۷} وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ. إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ (قیامت ۲۲-۲۳)

^{۴۸} وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ ... (طه ۱۱۱)

